**کلک نقد کتاب: قانون قزوینی (انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری)**

**اشرف، احمد**

قانون قزوینی،انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری(به همراه‏ رسالهء پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت)نوشتهء:محمد شفیع‏ قزوینی/به کوشش ایرج افشار انتشارات طلایه،تهران،1370، 167 ص+62 ص

ایرج افشار،در این مجموعه،دو رسالهء خطی را با مقدمه‏ای سودمند و مفصل چاپ کرده‏ است:یکی کتابچهء قانون که به نام مؤلف آن را قنون قزوینی نام نهاده و عنوان کتاب قرار داده و دیگر کتابچه‏ای است حاوی پیشنهادهای اصلاح‏طلبانهء یکی از دیوانیان اهل قلم.

افشار در مقدمهء خود فهرستی از 73 رسالهء انتقادی که از سال 1841 م/1260 ق تا سال‏ 1913 م/1331 ق نگاشته شده به دست می‏دهد.غالب این رساله‏ها در عهد ناصری و مظفری در دلمشغولی روشنفکران در آن دوران است.«این‏ها نوشته‏هایی است،که اکثرا به هنگام نگارش ولو آن‏که چاپی می‏بود بطور محدود میان باسوادان منور و صاحب تفکر و تعقل سیاسی نشر و پخش‏ می‏شد و البته بعضی از آن‏ها که مربوط به دورهء ناصری است سالیانی چند پس از تألیف به چاپ‏ رسیده است.»(ص 21).

«قانون قزوینی»رساله‏ای خطی در زمینهء انتقاد اداری و اجتماعی است که برای نخستین بار ایرج افشار آن را منتشر کرده است.انگیزهء تألیف این رساله فراهم آوردن پاسخی بوده است به‏ نظرخواهی امیر کبیر از مردم تا معایب امور و نظرات اصلاح‏طلبانهء خودشان را به آگاهی حکومت‏ برسانند.این رساله ظاهرا در سال 1866/1285 به وسیلهء محمد شفیع قزوینی که دکان‏ کلاهدوزی داشته تهیه می‏شود و به امیر تقدیم می‏گردد.آن‏گاه امیر او را احضار می‏کند و به‏ خدمت خفیه‏نویسی می‏گمارد.نگارش چنین رساله‏ای به قلم یکی از کسبهء بازار اهمیتی خاص‏ دارد چه نشان می‏دهد که بازاریان با روشن‏بینی مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی را می‏دیده‏اند و مردمانی آگاه و صاحب درد و صاحب نظر بوده‏اند و اگرچه بیشتر به توزیع رساله‏های اجتماعی روشنفکران و توضیح و بحث دربارهء مسائل مطروحه در آن‏ها می‏پرداخته‏اند اما گاهی نیز خود دست به قلم می‏برده‏اند و آثاری دربارهء این مسائل تألیف می‏کرده‏اند.

کتاب«قانون قزوینی»گذشته از ارزشی که در زمینهء انتقاد اجتماعی دارد از لحاظ اقتصادی و شرح مسائل و مباحث مربوط به جریان پول رایج،گمرکات،صنایع،فقر عمومی نیز حایز اهمیت است.برشمردن عین سرفصل‏ها و عناوین بخش‏های مختلف این کتاب می‏تواند،در حد خود،خواننده را هم به دیدگاه اجتماعی و نظام ارزشی و عقیدتی نویسنده و هم به نمونه‏هایی از مسایل و مشکلات جامعهء آن روز ایران آگاه سازد:

فصل اول کتاب شامل 6 بخش است در باب قحطی پول ایران،عدم توازن واردات و صادرات،شرحی از وضع مالیات و مواجب سپاهی در خارجه،در بیان اهل صنایع در ایران و تنزل آنان و افول شهرهای صنعتی چون اصفهان و یزد و کاشان،در پریشانی رعیت و نامعموری‏ مملکت،در باب اشیاء پرپوچ دول خارجه،در بیان انتظام دولت روس و رفع نحوست فرنگ از مملکت خود،و در بیان گمرک دولت‏های خارجه من باب قوام معدلت و راهیت رعیت خود فصل دوم در بیان تنگی نان است در بعضی بلاد ایران و خباثت خبّاز به حد افراط.در این فصل‏ میرزا شفیع پیشنهاد می‏کند که«اگر نرخ را بردارید کار نان درست می‏شود»و این نظری است که‏ بعد از 150 سال هنوز به خرج مقامات دولتی و اقتصادی ایران نرفته است.این فصل 5 بخش دارد به این شرح:دلیل جزئی بر ثبوت پریشانی رعیت است که چرا ایران این‏قدر گدا دارد،در باب‏ خالصه پادشاه،در باب املاک وقف که باعث اندراس مملکت شده است،در بیان حکام ولایات‏ هنگام مأموریت و بلاهایی که بر رعیت می‏آورند و شرح عملیات شلتاق حکمام ولایات.فصل‏ سوم در باب ورشکستگی اهالی است مشتمل بر شش بخش شامل ورشکستگی در تهران،در کیفیت گمرک و قطع دزدی در ممالک محروسه.فصل چهارم از کتابچه قانون اعمال احتساب‏ است و مشتمل است بر:آداب کم‏فروشی،قرار هر نرخی،قرار عملیات محارسین از روی قواعد معروض،صفا و تمیزی ولایات،رفع تلخی نان،دستور العملی خبازی،رفع تعدی فرا از خلق، رفع تعدی دراویش از خلق،قطع نقالی و معرکه گرفتن دراویش،رفع نحوست جماعت لوتی از محروسه،قطعه ترد جنازه از بازار،قطع وضع جنازه از یدک و کوتل و چاووشی و دراویش، نوحه‏خوان،سینه‏زن،طوق،بیرق،خوانچه...،رفع تعدی عملهء موت و تعدی ایشان نسبت به‏ اغنیا و فقرا که از حد گذشته است.برطرف کردن اماکن غسل از معموره و برقرار کردن در خارج‏ خلوت شهر،تعدد در اماکن دفن،دفن وضع قلابی روغن‏فروش‏ها،قطع شستن اشیاء کثیف در آبهای جاری،نشانیدن اشجار بید و عناب در عموم خانه‏ها،و نیز شرحی در باب قلع دزدی از ممالک محروسه.فصل پنجم در بیان اعمال تنبیهات سارقین و مغضوبین است و عمل باروتخانه‏ شامل در باب رفع نحوست بعضی رسومات،شرح در باب پسرامردهای تهران،قرار رفع نحوست‏ طایفهء جهودیه که شامل بحث جالبی است دربارهء موقع و روابط اقلیت‏های دینی و قومسی در ایران‏ آن زمان،و سرانجام شرحی دربارهء طبیب‏های ایرانی.